مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم

ریشه‌یابی قرآنی استکبارستیزی

■ امیرعلی جهاندار ■

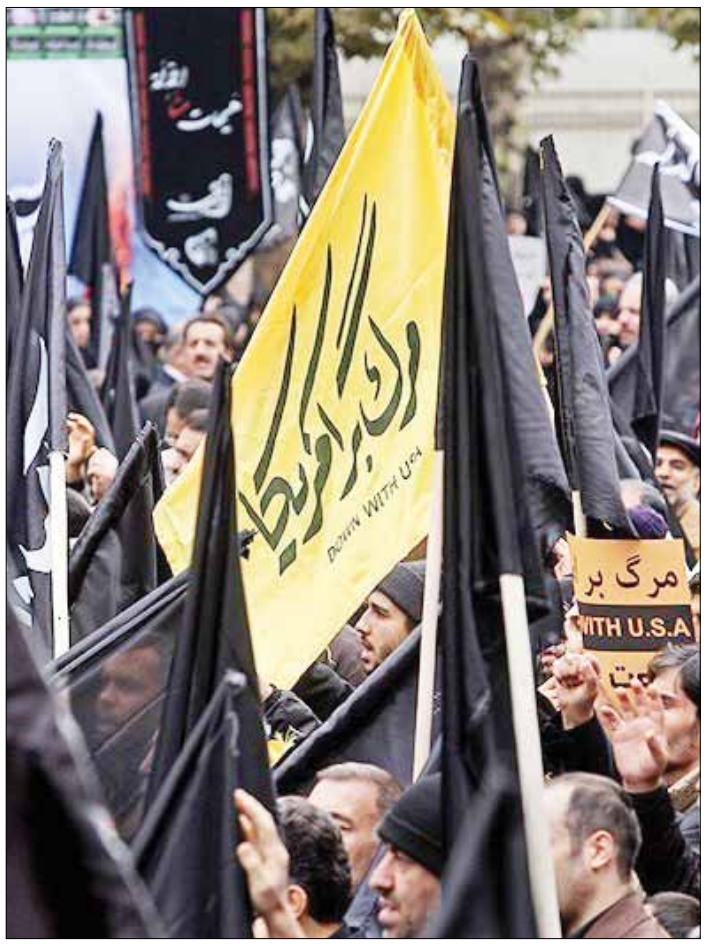

اشاره: آیا استکبارستیزی در انتهای راه قرار دارد؟ آیا استکبارستیزی از آرمان‌های جمهوری اسلامی پاک خواهد شد؟ آیا بعد از توافق هسته‌ای دیگر شاهد شنیدن شعار «مرگ بر آمریکا» نخواهیم بود؟ آیا جنایات آمریکا علیه ملت ایران بخشیده می‌شود؟ آیا واقعه ۲۸ مرداد؛ ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۷ تا ۱۲ تیر و.... فراموش می‌شود؟ اینها سوالاتی است که بسیاری از مردم ایران در اذهان خود دارند؛ مردمی که در آخرین نظرسنجی‌هایشان درباره مذاکرات هسته‌ای، ۷۰ درصدشان بدعهدی آمریکا در مذاکرات را عامل بن‌بست آن- زمانی که دکتر ظریف چند روز قبل از پایان مذاکرات گفت: «آمریکایی‌ها توافقاتی که قبلا کرده‌اند را نیز نمی‌پذیرند»- و ۹۰ درصد آنها خصومت آمریکا علیه ملت را رسما بیان کرده‌اند. دیدار امسال دانشجویان با رهبر حکیم انقلاب یک نقطه عطف داشت و آن پرسش و پاسخی بود پیرامون «تکلیف استکبارستیزی بعد از توافق هسته‌ای» که تیتر یک همه خبرگزاری‌ها و رسانه‌های داخلی و خارجی شد. نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل متن منتقدانه‌ای را با صدای بلند و به سرعت قرائت می‌کرد و رهبر انقلاب هم دست بر قلم نکات او را می‌نوشتند اما به یک باره سرعت بیان پایین آمد و سوالی را به صورت شمرده شمرده و با متانت پرسید: «با توجه به اینکه رسانه‌های متعدد بزک‌کننده آمریکا با خوشحالی از موضوع تابوشکنی مذاکره با آمریکا، برای تزریق تئوری نفی استکبارستیزی و نفی استقلال استفاده می‌کنند؛ به واقع تکلیف استکبارستیزی بعد از توافق هسته‌ای چیست؟ آیا با مردمی استکبارستیز و در مقابل ساختارهای حکومتی مخالف آن مواجه خواهیم بود؟» و همین سوال محوریت بحث رهبری در ادامه شد و ایشان فرمودند: «مگر مبارزه با استکبار، تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه، تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزو همین حرف‌هایی است که اتّفاقاً امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. درباره مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است. ما به این مسؤولان محترمی که در قضیه هسته‌ای مذاکره می‌کنند -که حالا اینها اجازه پیدا کرده‌اند مسؤولان، روبه‌رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اوّلین‌بار بود- گفته‌ایم فقط در مساله هسته‌ای شما حق دارید مذاکره کنید، در هیچ مساله دیگری حق ندارید مذاکره کنید و نمی‌کنند. آن طرف مقابل، گاهی مسائل منطقه، سوریه، یمن و مانند اینها را پیش می‌کشد، اینها می‌گویند ما در این زمینه‌ها با شما صحبتی نداریم و صحبت نمی‌کنند. مذاکره فقط در زمینه مساله هسته‌ای است، آن هم به همان دلایلی که من گفتم و چند بار تکرار کردم که چرا در قضیّه هسته‌ای ما این گرایش را، این رویکرد را انتخاب کردیم؛ من این را مفصل تشریح کردم. مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه مبارزه با استکبار».

این سخنرانی تکلیف همه چیز را یکسره و خیال همه را راحت کرد که «استکبارستیزی همچنان ادامه دارد» اگرچه مفصل‌تر از آن را در خطبه‌های نماز عید فطر بیان کردند: «با این مذاکرات و با متنی که تهیّه شده است، در هر صورت سیاست ما در مقابل دولت مستکبر آمریکا هیچ تغییری نخواهد کرد».

نکته مهم بحث رهبری در هر دو حال ارجاع استکبارستیزی به قرآن بود که یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. نوشته حاضر تلاش دارد به بررسی مبانی قرآنی استکبارستیزی بپردازد.

■ **معنای لغوی استکبار**

استکبار از ماده کبر است. استکبار مصدر باب استفعال است و آن را هم‌معنا با کبر و تکبر و به معنای تعظم و بزرگی دانسته‌اند و گاه آن را با مفهوم تعظم و تجبر نزدیک دانسته، مخالف و مقابل با تواضع معنی کرده‌اند که عبارت است از نفس را بالاتر از حد خود بردن و به عبارت دیگر خود را بزرگ دیدن. علامه طباطبایی(ره) تصریح می‌کنند استکبار همیشه نارواست و قید «به غیر حق» در آیه «فاستکبروا فی الارض بغیر حق» توضیحی است، نه آنکه استکبار بحق نیز وجود داشته باشد. ایشان در تعریف استکبار، فرق بین متکبر و مستکبر را نیز بیان می‌دارند: «مستکبر کسی است که می‌خواهد به بزرگی دست یابد و درصدد است بزرگی خود را به فعلیت برساند و به رخ دیگران بکشد و متکبر کسی است که بزرگی را به‌عنوان یک حالت نفسانی در خود سراغ دارد و برای خود پذیرفته است».

وجود این استکبار، باعث ایجاد یک دوقطبی همیشگی حق و باطل در جهان شده که در یک سو جبهه حق با عناوینی چون «اولیای خدا»، «حزب‌الله» و «مستضعفین» و در سوی مقابل، جبهه باطل با عناوینی نظیر «اولیای طاغوت»، «حزب‌الشیطان» یا «مستکبرین» قرار دارند. این رویارویی میان دو جناح حق و باطل، ماهیتی گذرا و مقطعی ندارد بلکه در طول تاریخ و در زمانی به درازای عمر حضور بشریت روی سیاره خاکی مستدام بوده است، یعنی از ابتدای هبوط آدم بر زمین تا امروز، زمینیان یا در جبهه حق به رهبری پیامبران و اولیای الهی یا در جبهه باطل به سرکردگی شیطان گرد آمده‌اند. قرآن کریم صف‌بندی میان دو جناح یادشده را در آیه ۷۶ سوره نساء آشکارا به تصویر می‌کشد: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل‌الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل‌الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان إنّ کید الشیطان کان ضعیفاً؛ کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا جهاد می‌کنند و کافران در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان نبرد کنید، زیرا حیله شیطان قطعاً ضعیف است».

این استکبار اما انواع و نمونه‌هایی دارد که عبارتند از:

۱-استکبار عبادی (استکبار در برابر عبادت خداوند)
۲- استکبار سیاسی (حکمرانی به ناحق بر مردم)
۳- استکبار اقتصادی (برتری‌جویی اقتصادی در سایه داشتن امکانات مالی)

■ **ویژگی‌های فرهنگ استکباری**

بهترین راه شناخت فرهنگ استکباری از دیدگاه قرآن کریم، شناخت چهره‌های شاخص مستکبران و روش و منش آنان از طریق خود قرآن کریم است و «ابلیس» سردمدار بزرگ جبهه استکبار است که برای نخستین‌بار این علم را برداشت و پیشوایی مستکبران را برعهده گرفت. مهم‌ترین ویژگی‌های مستکبران از نظر قرآن کریم چنین است.

۱-خودبرتربینی

«قال یا ابلیس ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدی استکبرت ام کنت من العالین. قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین؛ (خداوند) فرمود: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم، سجده آوری؟ آیا تکبر کردی یا از برترین‌ها بودی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»

از پاسخ شیطان برمی‌آید استکبار، از توجه به خویش و خود را محور پنداشتن، ناشی می‌شود. علامه طباطبایی(ره) با استفاده از این آیات می‌نویسند: «همه گناهان در تحلیل نهایی به ادعای انانیت و ستیز با کبریایی حق‌تعالی برمی‌گردد، در حالی که بنده مخلوق حق ندارد در برابر آفریدگار خویش، به خود اعتماد کرده، بگوید: «من»؛ با اینکه عظمت حق سراپرده هستی را فراگرفته و همه در پیشگاه او خاضع و ذلیلند. اگر شیطان مجذوب خود نشده بود و فقط به خویش توجه نداشت و سایه خداوند قیوم را بر خویش مشاهده می‌کرد، انانیت و خودبینی‌اش شکسته و در برابر فرمان الهی خاضع می‌شد.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «هر کس بر آن است تا برای خود، برتری بر دیگران ببیند، از مستکبران است».

۲- فخر و مباهات بر امتیازات مادی

«و قالوا نحن اکثر أموالاً و أولاداً و ما نحن بمعذبین» [مترفین به پیامبران«ع»] گفتند: ما بیش از شما مال و فرزند داریم و در آخرت نیز عذاب نخواهیم شد.

مستکبران به داشتن اموال و فرزندان بیشتر مباهات می‌کنند و آن را نشانه کرامت ذاتی خود می‌پندارند و حتی معتقدند چون خداوند آنان را در این دنیا گرامی داشته، در قیامت نیز جایگاهی والا خواهند داشت: «و هرگاه پس از ناراحتی‌ای که به او رسید، رحمتی بدو بچشانیم، می‌گوید: این به دلیل شایستگی و استحقاق من بوده است و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود و (به فرض که قیامتی باشد) هرگاه به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پاداش‌های نیکوتر است». (فصلت۵۰)

در بینش مستکبران، همه ارزش‌ها با محک مادیات سنجیده می‌شود و یگانه معیار قضاوت، ثروت است که آمدنش نشان حقانیت است و نبودنش از هیچ ارزشی خبر نمی‌دهد. از این رو، اعتراض این گروه به فرماندهی حضرت طالوت آن بود که از او برای ریاست رهبری شایسته‌تریم و او لیاقت این مقام را ندارد، زیرا از ثروت بی‌بهره است: «از کجا او سزاوار بزرگی و ریاست بر ماست، در صورتی که ما شایسته‌تر از اوییم و او مال فراوان ندارد؟!» (بقره/ ۲۴۷)

و اعتراض آنان به پیامبران این بود که چرا دستبندهای طلایی ندارند! از نظر آنان والاترین انسان‌ها، با محکم‌ترین براهین نیز چون گنجینه طلا ندارند، نمی‌توانند در منصب رهبری و هدایت قرار گیرند.

۳- تحقیر توده‌های مستضعف

«...ولا أقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً الله اعلم بما فی أنفسهم انی اذاً لمن الظالمین.» هرگز به مؤمنانی که در نظر شما خوار می‌آیند، نمی‌گویم خداوند خیری به آنان نخواهد داد. خدا به نهان آنان آگاه‌تر است و (اگر آنان را برانم یا مأیوس کنم)، از ستمکاران خواهم بود. (هود/۳۱)

این آیه بیان پاسخ حضرت نوح(ع) به مستکبران قومش است. بینش و قضاوت مستکبران درباره مؤمنانی که از قشرهای مستضعف جامعه‌اند، این است که آنان اراذل، اوباش و ساده‌لوحند و نیز گمان می‌کنند خداوند به محرومان و مستضعفان، خیر و سعادت نداده است. از این رو باید تحقیر شوند و انتظار چنین برخوردی را از سوی پیامبران نیز دارند. در صورتی که پیامبران هیچگاه محرومان را از اطراف خود نمی‌رانند، بلکه به آنان توجه ویژه دارند.

۴- نافرمانی (فسق)

«والذین کذبوا بآیاتنا یمسهم العذاب بما کانوا یفسقون». و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند، به (سزای) آنکه نافرمانی می‌کردند، عذاب به آنان خواهد رسید.

چون مبنای فکری و عقیدتی مستکبران را ماده‌پرستی تشکیل می‌دهد و بر معیار خودپرستی عمل می‌کنند، در منجلاب شهوت غوطه‌ور می‌شوند و بی‌بند و باری را به اوج می‌رسانند. آنان خود فاسدند و ریشه هر فساد اجتماعی هم هستند و از این قشر، بی‌بند و باری به قشرهای پایین جامعه سرایت می‌کند و آلودگی در سطحی گسترده، پخش می‌شود. (انعام / ۴۹)

■ **آمریکا؛ اتمّ مصادیق استکبار**

این چارچوب‌ها استکبارستیزی را بر مبنای قرآن برای ما شکل می‌دهد و این وظیفه‌ای می‌شود که در مقابل مصادیق مبارزه کنیم. رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان فرمودند: «آمریکا اتم مصادیق استکبار است». آیا چنین راهبردی معلول نوعی خصومت شخصی و سلیقه‌ای ایشان با حکومت آمریکاست و آیا اگر کشور دیگری جز آمریکا بر اریکه ابرقدرتی جهان تکیه می‌زد، همه مشکلات فی‌مابین مرتفع می‌شد؟ پاسخ آن است: وجود همان ویژگی‌ها و فرهنگ استکباری در آمریکا باعث می‌شود او در جایگاه مقابل با جمهوری اسلامی قرار گیرد. بررسی بیانات رهبر انقلاب طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد آمریکاستیزی به خودی خود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصالت ندارد بلکه نتیجه رویکرد استکبارستیزی محسوب می‌شود. استکبارستیزی نیز رویکردی سلیقه‌ای و خودساخته نبوده بلکه همچنان که در بالا آمد، از اعماق آموزه‌های قرآنی ریشه می‌گیرد.

رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان فرمودند: «برای ما آمریکا خصوصیتی هم ندارد... مساله ما، مساله استکبار است؛ منتها دولت آمریکا دولت مستکبری است. هر دولت دیگر هم که همین خصوصیت را داشته باشد، بخواهد زور بگوید و بخواهد فشار بیاورد، ملت ایران با او همین طور خواهد بود». (۷۶/۸/۱۴)

ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌ورزند که استکبارستیزی و به تبع آن آمریکاستیزی، نه سیاستی ساخته و پرداخته دولتمردان جمهوری اسلامی بلکه نشأت‌گرفته از بطن تعالیم عالیه اسلام است و ما به اقتضای مسلمانی ملزم به عمل وفق آن هستیم. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با اشاره به این رویارویی مستمر تاریخی چنین می‌فرمایند: «ممکن نیست فرض کنیم یک مسلمان یا مؤمن یا موحّد، حتّی یک روز یا یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضدابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قال الملأ الّذین استکبروا من قومه لنخرجنّک یا شعیب». وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم».

■ **فرجام تقابل ۲ جبهه انقلاب و استکبار**

اکنون باید پرسید فرجام تقابل ۲ قطب حق و باطل از نظرگاه شریعت اسلام چه خواهد بود و مجادله دیرپای آنان در نهایت چگونه و با پیروزی کدام‌یک به پایان خواهد رسید؟ آنچه قرآن به آن وعده می‌دهد «قل جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقا» است که خداوند می‌فرماید: «بگو حق آمد و باطل از میان رفت، همانا که باطل نابودشدنی است». و رهبری در سخنرانی دیگرشان شرطی را نیز برای این پیروزی منضم کردند. ایشان فرمودند: «خداوند متعال برای آن کسانی که وعده نصرت داده است، شرطی مقرّر فرموده است: وَ انَّ اللهَ عَلی نَصرهم لَقَدیر؛ الّذینَ اِن مَکّنّاهُم فی الاَرض اَقامُوا الصلوه وَ ءاتوُا الزَّکوه وَ اَمَروا بالمَعروف وَ نَهَوا عَن المُنکر وَ لله عاقبه الاُمور. خداوند متعال چهار شاخص را در این آیه شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آنها قرار می‌گیرد و از زیر سلطه قدرتمندان جائر خارج می‌شوند، معیّن کرده و وعده کرده است «انَّ اللهَ عَلی نَصرهم لَقدیر»؛ خدای متعال قادر است یک چنین ملّتی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام از این چهار خصوصیّت و چهار شاخص، یک جنبه فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند. نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مؤمن است، «قُربانُ کُلّ تَقی» است، وسیله فوز و سعادت است، از همه اعمال برتر و بالاتر است، حتی نماز دارای جنبه اجتماعی هم هست. جنبه اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به‌وسیله نماز با یک مرکز واحدی در تماس می‌شوند. در آن واحد در وقت نماز، همه مسلمانان در همه نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متّصل می‌کنند؛ این اتّصال همه دل‌ها به یک مرکز واحد، یک مساله اجتماعی است، یک مساله نظام‌ساز است، معیّن‌کننده و شکل‌دهنده هندسه نظام اسلامی است». حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جای دیگری با بیانی که از اعتقاد راسخ ایشان به این نوید محتوم قرآنی حکایت دارد، بر قطعی بودن غلبه جبهه حق و اضمحلال جبهه استکباری طاغوت در پایان رویارویی تاریخی صحه می‌گذارند: «ما یقین داریم در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است- کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از یک سو و طمع‌ورزی‌های استکباری سیاست‌های شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت آمریکا از طرف دیگر- پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این هیچ تردیدی وجود ندارد. همه قرائن این را نشان می‌دهند و تایید می‌کنند. طبیعت سنن الهی هم همین است یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند، اگر بایستند و اقدام بکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد». رهبر انقلاب از دریچه این الگوی دوقطبی قرآنی به محیط بین‌الملل می‌نگرند لذا خط‌مشی کلان انقلاب اسلامی را همواره بر مبنای تقابل بنیادین با بلوک استکبار جهانی ترسیم می‌کنند. امروز همگان معترفند جمهوری اسلامی در صف اول مبارزه با مستکبران مخصوصاً آمریکا ایستاده و مقاومت در برابر سلطه‌گری ابرقدرت جهانی را به‌عنوان سیاست استراتژیک خود تعریف کرده است اما باید توجه داشت مساله «دگرسازی» از آمریکا و پافشاری بر موضع قهر و مخاصمه، ناشی از سلیقه و صلاحدید شخصی رهبر بزرگوار انقلاب یا سایر دولتمردان نبوده بلکه در راستای اجرای نقشه راه مصرّح قرآن کریم پیرامون جدال تاریخی ۲ جبهه مؤمنان و مستکبران صورت می‌پذیرد. در حقیقت رویکرد استکبارستیزی پیامد طبیعی درون‌مایه انقلابی و ایدئولوژیک نظام اسلامی به حساب می‌آید و این مساله می‌تواند چارچوب مناسبی را برای تحلیل درست رفتار سیاسی ایران در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

تقویم تاریخ

طرح استیضاح دولت رضاخان از سوی نمایندگان اقلیت مجلس به رهبری مدرس (۱۳۰۳ ش)

اقلیت مجلس شورای ملی به دلیل سوءسیاست داخلی و خارجی رضاخان و قیام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس و... او را استیضاح کردند و قرار شد در ۷ مرداد ۱۳۰۳ش، رضاخان به مجلس برود و توضیح دهد. او که از این امر بسیار می‌ترسید تمام کوشش خود را به کار برد تا از استیضاح رهایی یابد. سرانجام با تهدید و تطمیع نمایندگان، جلسه مجلس را بر هم زد. بعضی نمایندگان مخالف را به حبس کشید و بعضی دیگر را به وسیله مزدورانش مضروب کرد. سرانجام در جلسه ۱۷ مرداد، تیمورتاش عنوان کرد مجلس از سردار سپه حمایت می‌کند و در یک قیام و قعود، رضاخان از مجلس رای اعتماد گرفت و استیضاح کارگر نیفتاد.

■■■

فرار بنی‌صدر و رجوی به فرانسه (۱۳۶۰ ش)

پس از آنکه مجلس شورای اسلامی به دلیل همسویی و همکاری بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، با گروهک منافقین، دامن زدن به تشنجات و درگیری‌ها در کشور، کوتاهی در دفاع از مرزهای ایران در دوران جنگ و عدم ممانعت از تجاوز ارتش بعث عراق به مرزهای کشور، رای به عدم کفایت سیاسی وی داد و حضرت امام خمینی(ره) نیز او را از ریاست‌جمهوری عزل کردند، او به یک زندگی مخفی روی آورد و همواره توسط نامه و نوار، مردم را به شورش و آشوب دعوت می‌کرد اما زندگی مخفی او چندان به طول نینجامید و با مشت محکمی که مردم با شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخاب شهید رجایی به این سمت، بر دهانش کوبیدند، با حالت سرخوردگی و ذلّت تمام، همراه با مسعود رجوی، سرکرده منافقین و با چهره و لباس زنانه از کشور فرار کرد. او با یک هواپیمای بویینگ ۷۰۷ ربوده‌شده، به طور غیرمجاز به سوی قبرس پرواز کرد و پیش از آنکه هواپیماهای شکاری نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران که در تعقیب هواپیمای ربوده شده بودند به این هواپیما برسند، از مرز ایران خارج شد. همچنین پس از آنکه وی در پاریس مستقر شد، مقامات فرانسه به تقاضای ایران برای استرداد بنی‌صدر ترتیب اثر ندادند و او در آنجا با همکاری رجوی، تشکیلاتی با نام «شورای مقاومت» برای مبارزه با جمهوری اسلامی و سران آن تشکیل داد. عمر این شورا چندی نپایید و بزودی متلاشی شد.

■■■

رحلت شیخ بهایی، عالم کم‌نظیر و دانشمند بزرگ عهد صفوی (۱۰۳۰ ق)

شیخ الفُقها، استاد الحُکما، رئیس الاُدبا، علامه دهر، شیخ‌الاسلام والمسلمین، شیخ بهاءالدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی‌هَمْدانی جَبعی‌عاملی معروف به شیخ بهایی از شاگردان شهید ثانی و یکی از علمای بزرگ شیعه و از افتخارات جهان اسلام است. شیخ بهایی فقیهی اصولی، محدث رجالی، مفسر، ریاضیدان، حکیم، متکلم، ادیب، شاعر، جامع علوم عقلی و نقلی بود و بالجمله در علوم متنوع، گوی سبقت از افاضل و دانشمندان ربوده بود. وی در سال ۹۵۳ قمری در بعلبک لبنان به دنیا آمد. در طول حیات پربار خویش مسافرت‌های زیادی به نقاط مختلف جهان داشت و از محضر اساتیدی برجسته در رشته‌های گوناگون استفاده کرد. شیخ بهایی در این سفرها توانست در بسیاری از علوم مانند: هیئت و نجوم، ریاضیات، تفسیر قرآن، فقه و اصول، علم حدیث، ادبیات فارسی و عربی و طب و مهندسی متبحر شود و در تمام آنها کتبی را به رشته تحریر درآورد. وی نخستین کسی است که یک دوره فقه غیراستدلالی به زبان فارسی نوشت. ملاصدرا، ملامحمدتقی مجلسی اوّل، محقق سبزواری، ملاحسنعلی تُستَری، میرزا رفیعا نایینی، سیدماجد بحرانی، ملامحسن فیض کاشانی، ملامحمدصالح مازندرانی و ده‌ها دانشمند و فاضل دیگر از شاگردان شیخ بهایی هستند. کشکول، اسرارالبلاغه، اثنی عشریات، خمس اربعین حدیثاً، جامع عباسی، عین الحیوه و بحرالحساب و ده‌ها اثر دیگر از جمله آثار او است. آثار علمی و مهندسی وی را می‌توان در جای جای اصفهان مشاهده کرد. سرانجام شیخ بهایی، این دانشمند کامل و جامع در ۷۷ سالگی در اصفهان پایتخت سلسله صفویان بدرود حیات گفت و طبق وصیتش در مشهد مقدس مدفون شد.